

نشریه راش

نشریه دانشجویی راش ، شماره اول ، پاییز ۱۴۰۳



در این نشریه میخوانیم :

معلم در بین شکاف نظر و عمل

اینجا سرای من است

تاریخچه آموزش و پرورش در ایران باستان

معلم به عنوان مدیر فرهنگی

و ...



دانشگاه فرهنگیان شهید مطهری نوشهر

بسمه تعالی

صاحب امتیاز

بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان شهید مطهری

مدیر مسئول

علیرضا فلاح

سردبیر

محمد حسین نصیری

نویسندگان

دکتر رافائیل آزادیان، دکتر فرشاد بزرگی، دکتر روح الله کشاورز، محمدحسین نصیری، محمد جواد عبدالهی، علیرضا فلاح، امیر استبصاری، امیرمحمد بصیری، محمدامین رضایی، امیرحسام خادمیان، ابوالفضل نصیری، الهیار منصورکیایی، مهدی نقاش

روابط عمومی

امیرحسام خادمیان، علی دهقان

صفحه آرایی

امیرحسام خادمیان

با تشکر از

با تشکر از مدیریت مرکز شهید مطهری دکتر رافائیل آزادیان، معاون هماهنگی دکتر فرشاد بزرگی، مسئول امور دانشجویی و فرهنگی دکتر روح الله کشاورز، استاد گرانقدر دکتر علیه متاجی و همه بزرگان و اساتید و مسئولانی که ما را در تدوین و انتشار این شماره از نشریه یاری کردند.

ارتباط با ما : @rash.journal در اینستاگرام و ایتا

نشریه دانشجویی راش، پاییز ۱۴۰۳

فهرست صفحات

رگ و ریشه	۳	محمد حسین نصیری
معلم به عنوان مدیر فرهنگی	۵	دکتر رافائیل آزادیان
معلم و جهاد تبیین	۸	علیرضا فلاح
سیاست گذاری در توسعه پژوهش	۱۱	دکتر فرشاد بزرگی
معلم در بین شکاف نظر و عمل	۱۳	محمد امین رضایی
اینجا سرای من است	۱۶	دکتر روح الله کشاورز
تدبیر منزل	۲۰	امیرحسام خادمیان
عصر یخبندان معلمان	۲۳	امیر محمد بصیری
تاریخچه آموزش و پرورش	۲۶	امیر استبصاری
هفت تفاوت هوش مصنوعی و هوش انسانی	۲۹	ابوالفضل نصیری
مسیر رشد	۳۲	محمد جواد عبداللهی
شعر و معلم	۳۴	مهدی نقاش ، الهیار منصورکیایی

رگ و ریشه

به قلم محمد حسین نصیری | نشریه دانشجویی راش ، پاییز ۱۴۰۳ | سخن سردبیر

نشریه راش ، همچون نهالی جوان است که در دلِ خاکِ دانش و خرد سعی میکند ریشه بدواند. نهالی که با قطره‌های بارانِ کنجکاوی سیراب می‌شود، با نسیمِ نوآوری می‌رقصد و در سایهٔ آفتابِ حقیقت رشد می‌یابد. این نهال، ریشه در گذشته دارد و به سوی آینده‌ای روشن و امیدبخش شاخه می‌گسترده. با هر برگِ جدیدی که می‌روید، با هر میوه‌ای که می‌رسد، نوری نو به جهان می‌تاباند ...

رگ و ریشه

● محمد حسین نصیری ● دانشجو معلم

هر درخت در جنگل‌های کهن هیرکانی، داستانی برای گفتن و صدایی برای شنیدن دارد. بیایید این داستان‌های پر لطافت و سبز را بشنویم.

«هر که می‌ورزد درختی در سرابستان معنی بیخش اندر دل نشاند، تخمش اندر جان بکارد»

جنگل‌های هیرکانی مازندران، به عنوان یکی از گنجینه‌های طبیعی ایران عزیزمان، با زیبایی‌های بی‌نظیر و رازآلود خود، دنیایی از شگفتی‌ها و احساسات را در دل هر بیننده‌ای زنده می‌کند. در این جنگل‌های سرسبز، درخت راش با قامت بلند و برگ‌های سبز درخشان، همچون نگهبانی وفادار و باوقار، ایستاده است. این درخت نه تنها در سرزمین‌های شمالی، بلکه در افسانه‌ها و اسطوره‌های مختلف نیز، ریشه دوانده است و به عنوان نمادی از حکمت، ثبات و طول عمر شناخته می‌شود.

در هر روی، نهال جوان نشریه راش، در جنگل تعلیم و تربیت تازه غرس گشته است؛ این نهال پر طراوت امید دارد تا ثمرش را در دل و جان دغدغه‌مندان حیطه آموزش و پرورش بنشاند تا با نگاهی تحولی و به قدر وسع، شوق و اشتیاق حرکت را در دانشجو معلمان برانگیزد. همان‌طور که درخت راش به مرور زمان رشد کرده و شکوفا می‌شود، فرآیند تعلیم و تربیت نیز به تدریج، فرد را پرورش می‌دهد و او را برای مواجهه با چالش‌های زندگی آماده می‌کند.

درخت راش به آرامی و به تدریج رشد می‌کند و به ارتفاعات بلندی می‌رسد. یادگیری نیز، نیاز به زمان، صبر و تلاش دارد. درخت راش نه تنها به اکوسیستم خود کمک می‌کند، بلکه بر روی سایر موجودات زنده نیز تأثیرگذار است. به همین ترتیب، آموزش و پرورش می‌تواند تأثیر عمیقی بر جامعه داشته باشد و نسل‌های آینده را برای ایجاد تغییرات مثبت آماده کند. درخت راش معمولاً در جنگل‌هایی با تنوع زیستی بالا رشد می‌کند. این موضوع می‌تواند به اهمیت تنوع در محیط‌های آموزشی اشاره کند؛ جایی که دانش‌آموزان با پیشینه‌ها، فرهنگ‌ها و ایده‌های مختلف آشنا می‌شوند و این تنوع به غنای تجربه یادگیری آنها افزوده می‌شود.

ما درخت راش را به عنوان نمادی از فرآیند آموزش و پرورش، نمایانگر رشد، استقامت، تأثیرگذاری بر جامعه و اهمیت ارتباطات انسانی می‌دانیم. القسه، با لطف و عنایات حضرت حق و با طی مراحل گوناگون و تلاش و همکاری پرثمر دوستان و اساتید دغدغه‌مند در امر تعلیم و تربیت، اولین شماره نشریه دانشجویی راش به منظور اعتلا و استفاده بهنیه از ظرفیت‌های پرتنوع دانشجویان دانشگاه فرهنگیان به فعالیت در زمینه‌های فرهنگی و تربیتی و اجتماعی پرداخته است. تا با یاری اندیشمندان از گروه‌های مختلف علمی و دانشگاهی خصوصاً ودیعه داران تعلیم و تربیت فضایی علمی و پژوهشی را برای دانشجویان مستعد فراهم آورد. به یاری خداوند با واکاوی علمی و تأملات عالمانه، برگ سبزی را به نظام آموزشی کشور عزیزمان و تمام معلمان خدوم هدیه می‌کنیم. باشد که مقبول عزیزان افتد.



معلم به عنوان مدیر فرهنگی

نشریه دانشجویی راش، پاییز ۱۴۰۳ |

به قلم دکتر رافائل آزادیان

امام خمینی (ره): سعادت یک مملکت کلیدش به دست معلم است و به دست دانشجو. اول معلم که باید تربیت کند قشرهای جوان را و بعد خود جوان‌ها که باید مملکت را اداره کنند، بنا بر این هر مملکتی در عالم، هر کشوری در عالم، موجودیتش بسته است به دست دانشجو و معلم. کلید سعادت به دست معلم است و همان قدر که معلم بزرگ است مسئولیتش هم بزرگ است، ... هر مقداری که انسان عظمتش زیادتر باشد مسئولیتش زیادتر است و چون معلم عظمتش زیاد است، مسئولیتش زیاد است، عظمتش زیاد است برای اینکه تربیت می‌کند.

صحیفه امام خمینی (ره)؛ ج ۷، ص ۲۵۴

معلم به عنوان مدیر فرهنگی

• رافائیل آزادیان • ریاست و هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان شهید مطهری نوشهر

اساساً تبیین هر موضوعی با یک سوال اساسی همراه است. شغل معلمی هم از این قاعده مستثنی نیست. دانشجویان عزیز بایستی با پذیرش جایگاه معلمی یک سوال اساسی داشته باشند.

مهمترین سوال اساسی این است که با پذیرش شغل معلمی من چه کسی هستم؟ منش من چگونه باید باشد؟ در حرفه ام باید چگونه عمل کنم؟ و سوالاتی دیگر، که مبین هویت معلم ها است.

شاید همه سوالات پیرامون حرفه معلم را بتوان در یک عبارت «معلم به عنوان مدیر فرهنگی» خلاصه نمود. این عبارت بیانگر نقش عظیم معلم در ساخت هویت اجتماعی افراد جامعه است.

نکته قابل تامل این است که «مدیر فرهنگی» باید چه ویژگی هایی داشته باشد؟ برای پرداختن به این موضوع قبل از شناخت هویت معلم به هویت فرهنگی یک جامعه پرداخت. مهمترین مولفه در این زمینه «فرهنگ» جامعه است.

لذا هم معلم بایستی ابتدا فرهنگ و خرده فرهنگ های جامعه خویش را به درستی بشناسد به عبارتی با مطالعات جامعه شناسی، مردم شناختی به مطالعه و کسب و شناخت فرهنگ های جامعه خود پردازد. چرا که هویت سازی در راستای فرهنگ و باورها و قوانین جامعه مورد نظر محقق خواهد شد.

به عبارتی تربیت نسل در گرو شناخت فرهنگ جامعه است. اگر ما بخواهیم یک ایرانی اصیل تربیت کنیم باید به مطالعات تاریخی و فرهنگی بپردازیم تا بتوانیم در راستای جریان فرهنگی کشور ایران یک ایرانی اصیل تربیت کنیم.

معلم در کنار آموزش دانش به دانش آموزان بایستی تلاش نمایند تربیت نسل در راستای کرامات و تحقق هویت ایرانی اسلامی انجام شود.

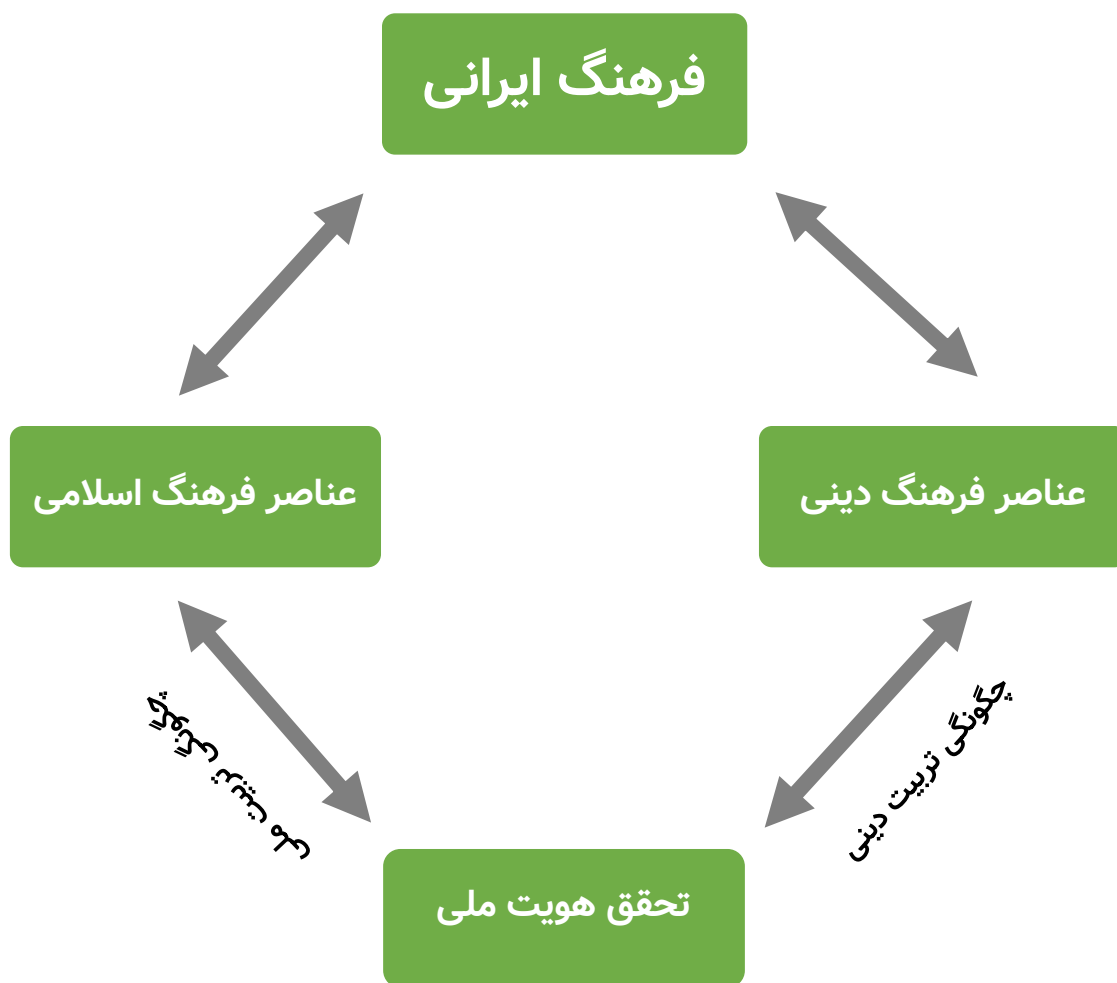
امروزه در استعمار فرانسه، کشورهای استعمارگر به دنبال دورکردن نسل ها از هویت واقعی شان هستند. تا بتوانند به اهداف خود برسند.

یکی از راهبردهای شان در عصر جدید جنگ شناختی می باشد. فرآیند جنگ شناختی به تربیت مداخله در احساس ، ادراک و سپس باور دانش آموزان است. ابتدا به احساس دانش آموزان ورود پیدا می کنند تا ادراکشان را دستکاری نمایند و بعد بتوانند باورشان را تحت الشعاع قرار دهند.

نمونه های مداخله این چنینی را با استفاده از پلتفرم های رسانه های نوین و پیام رسان ها انجام می دهند. مثلاً دسترسی بدون حساب و کتاب دانش آموزان در فیسبوک ، یوتیوب ، اینستاگرام و... دستکاری افکار و باورها را به دنبال دارد.

لذا وظیفه و کنش احساس و مهم معلم، مراقبت از باورها و حفاظت از هویت و تربیت نسل است. امروزه بسیاری از مداخله غربی ها استعمارگران در جریان سازی ها و اغتشاشات سیاسی کشورهای جهان سوم، از طریق جنگ شناختی می باشد.

به امید ایران آباد با همت معلمان فهیم.



A portrait of Ayatollah Khamenei, the Supreme Leader of Iran, wearing a black turban and glasses, with a white beard. The background is dark and out of focus.

معلم و جهاد تبیین در بیان مقام معظم رهبری

به قلم علیرضا فلاح | نشریه دانشجویی راش ، پاییز ۱۴۰۳

در قبال این حرکت گمراه‌کننده‌ای که از صد طرف به سمت ملت ایران سرازیر است و تأثیرگذاری بر افکار عمومی که یکی از هدف‌های بزرگ دشمنان ایران و اسلام و انقلاب اسلامی است و دچار ابهام نگه داشتن افکار و رها کردن اذهان مردم و بخصوص جوان‌ها، «حرکت تبیین» خنثی‌کننده‌ی این توطئه‌ی دشمن و این حرکت دشمن است.

حضرت آیت الله خامنه ای ، سخنرانی مراسم اربعین ۱۴۰۰

معلم و جهاد تبیین در بیان مقام معظم رهبری

● علیرضا فلاح ● دانشجو معلم

جهاد صرفاً پیکار با شمشیر و تفنگ نیست. هر تلاشی جهاد است. البته هر تحرکی را نمی‌توان جهاد نامید. چرا که جهاد دارای یکسری خصوصیات است. انسان باید بداند در مقابل دشمن است یعنی در مقابل یک حرکت خصمانه و غرض‌آلودی قرار دارد که او و جامعه او را مورد هدف قرار می‌دهد. ویژگی دیگر جهاد استمرا، همه‌جانبگی، هوشمندانه بودن، مخلصانه بودن است. در جهاد دو چیز ضروری است یک اینکه در آن جدّ و جهد و تحرکی باشد دوم اینکه در مقابلش دشمنی وجود داشته باشد. در این جدال‌ها و کارزارهای حساس و حیاتی برای جامعه اسلامی، ما باید جدالی احسن داشته باشیم. آن هم با سلاح حکمت و موعظه و با سپر تبیین. تبیین در لغت به معنای هویدا کردن و آشکار نمودن است در فارسی معادل کلماتی چون بیان کردن، توضیح دادن، روشننگری و تعریف است. در سوره آل عمران آیه ۱۱۸ آمده است:

قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ

ما آیات را برای شما بیان کردیم اگر بیندیشید

در مقابل واژه تبیین واژگانی چون ابهام افکنی، تحریف و کتمان حقیقت وجود دارد. در یک جمله، جهاد تبیین یعنی مبارزه مستمر جهت روشننگری مردم با دشمن. در دنیای امروز که رسانه‌های مهمترین جزء زندگی انسان‌ها هستند کسی در جنگ حاضر پیروز است که رسانه‌های بیشتر و قوی‌تری را در دسترس داشته باشد. در جنگ امروز با استکبار، دشمن با تمام توان در حال تسخیر مغزهاست تا بتواند خود را بر جوان ایرانی مسلط کند. لازم به ذکر است مسئله تبیین مسله‌ی تازه‌ای نیست که رهبری به آن پرداخته باشند بلکه کلید واژه‌ای است که در مواقع مختلف و دیدارهای گوناگون به آن تاکید کرده‌اند. در ادامه به چند مورد از سخنان ایشان حول این موضوع اشاره خواهیم کرد.

جمهوری اسلامی امروز نیازمندی‌هایی دارد که این نیازمندی‌ها را ما باید تامین کنیم به اعتقاد بنده برترین این نیازمندی‌ها، نیازهای تبیینی و بصیرت‌افزایی و تحکیم معارف انقلاب و اسلام [است]؛ اینها در رأس همه‌ی این نیازها است

حضرت آیت الله خامنه‌ای، دیدار با شاعران ۲۴ / ۴ / ۱۳۹۹

در قبال این حرکت گمراه‌کننده‌ای که از صد طرف به سمت ملت ایران سرازیر است و تأثیرگذاری بر افکار عمومی که یکی از هدفهای بزرگ دشمنان ایران و اسلام و انقلاب اسلامی است و دچار ابهام نگه داشتن افکار و رها کردن اذهان مردم و بخصوص جوانها، «حرکت تبیین» خنثی‌کننده‌ی این توطئه‌ی دشمن و این حرکت دشمن است.

حضرت آیت الله خامنه ای ، سخنرانی مراسم اربعین ۱۴۰۰

در این زمینه [مسئله‌ی نفوذ] روشنگری لازم است؛ روشنگری بدون اتهام، بدون تهمت زدن، بدون مصداق معین کردن، اما روشنگری اذهان مردم؛ چیز لازمی است. ببینید، یکی از آن چیزهایی که قرآن کریم خطاب به مخالفین، به یهود در آن روز، [میگوید] و بر آنها ایراد میگیرد این است: **لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ**؛ یکی از ایرادهای بزرگ این است که شما باطل را با حق مخلوط میکنید، مشتبه میکنید؛ «لبس» یعنی اشتباه، «تلبسون» [یعنی] مشتبه میکنید حق را با باطل، وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ، حق را کتمان میکنید. حقیقت را باید بیان کرد که این وظیفه‌ی ما است.

حضرت آیت الله خامنه ای ، دیدار با ائمه جمعه ۱۴ / ۱۰ / ۱۳۹۴

معلم به عنوان معمار آینده ایران و پایه ریز تمدن نوین اسلامی مهم ترین وظیفه را در جهاد تبیین دارد. چرا که کسانی را تربیت می کند که آینده سازان این مرز و بوم هستند و از طرف دیگر بیشترین آسیب پذیری را نسبت به تبلیغات امپراتوری رسانه ای دارند. معلم باید خود را در مقابل شبهه ، تحریف ، دروغ قدرت مند کند و همچنین نباید در مقابل این حملات آسیب پذیر باشد. وقتی معلم نتواند ذهن خود را از این هجمه ها مصون نگه دارد چگونه می تواند از ذهن دیگران محافظت کند و شبهات را تبیین کند؟

امروزه می شود بیان کرد که دشمن از ضربه زدن به کشور عزیزمان ناامید گشته است. چون از ایمان و آمادگی مردم اطلاع دارد اما از نفوذ ناامید نیست. ابزار نفوذ هم زیاد است. دشمنان سعی دارند جوان ایرانی را طوری بار بیاورند که خودشان می پسندند اگر جوان ایرانی به شکل دشمن پسند (رفتاری ضد فرهنگی) یا استکبار پسند رشد کند آنگاه دشمن دیگر برای پیاده کردن نقش های خود در کشور هیچ ابایی ندارد. معلم باید قادر به پاسخگویی به شبهات روز باشد شبهات امروزه همچون تار عنکبوت در تار و پود نوجوان و جوان ایرانی ریشه دوانده است و درحال تسخیر ذهن اوست. ما به عنوان معلم کشور عزیزمان ایران اسلامی باید در جبهه جهاد تبیین با جوان با زبان گرم و پر از آشتی صحبت و تعامل کنیم . اگر جوان بدون تحقیق سخنی را باور می کند معلم باید جوان را وادار به تفکر و تحقیق کند در این زمان توانسته شمه ای از این جهاد را عملی کند.



سیاستگذاری در توسعه پژوهش

به قلم دکتر فرشاد بزرگی | نشریه دانشجویی راش، پاییز ۱۴۰۳

ضرورت توسعه پژوهش در دنیای امروز به اندازه وجود هوا برای تنفس برای پیشرفت و توسعه ی هر جامعه حیاتی است. بدون پژوهش، جامعه نمی تواند به چالش های جدید پاسخ دهد، مشکلات خود را حل کند و به اهداف بلند مدت خود دست یابد. پژوهش موجب ایجاد نوآوری، توسعه فن آوری جدید، بهبود کیفیت محصولات و خدمات و افزایش کارایی و اثربخشی می شود. پژوهش مبنای توسعه اقتصادی و اجتماعی است و موجب رشد و پیشرفت در تمامی زمینه ها می شود. توسعه پژوهش باعث ارتقا فرهنگ علمی در جامعه می شود و مردم را به دانش و علم علاقمندتر می کند. پژوهش به فهم عمیق تر از جهان اطراف، حل مسائل با رویکرد علمی و توسعه تفکر انتقادی کمک می کند. توسعه پژوهش ضرورتی اجتناب ناپذیر برای پیشرفت و توسعه هر جامعه است. با توجه به اهمیت پژوهش، باید به طور جدی به توسعه و حمایت از پژوهش در تمامی زمینه ها توجه کرد.

سیاست گذاری در توسعه پژوهش

• دکتر فرشاد بزرگی • استاد و معاونت دانشگاه فرهنگیان شهید مطهری نوشهر

سیاستگذاری در توسعه پژوهش، شامل مجموعه ای از استراتژی‌ها، برنامه ها و اقداماتی است که برای هدایت و ارتقای پژوهش در یک کشور یا منطقه انجام می شود. این سیاست ها نقش مهمی در جهت گیری تحقیقات، تخصیص منابع، تربیت پژوهشگران، انتشار نتایج و تبدیل نتایج پژوهشی به نوآوری دارند. سیاستگذاری صحیح در توسعه پژوهش یکی از مهمترین عوامل موثر در ارتقای علمی دانشجویان و اساتید و همه علاقمندان به این حوزه می باشد. سیاستگذاری دقیق به معنای تعیین اولویت ها و اهداف روشن و شخصی برای پیشرفت در عرصه گوناگون است تولیدکنندگان اندیشه های علمی باید با مشارکت فعال اقشار مختلف جامعه این اولویت ها و اهداف را تعیین و ارتقا دهند. اولویت های پژوهشی باید با نیازهای جامعه و چالش‌های موجود در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و... مطابقت داشته باشد و از ابزارهای سیاسی مناسب برای دستیابی به اهداف توسعه استفاده نمایند. این ابزارها شامل اقدامات قانونی، مالی، انتقال فناوری، بهره‌مندی از نظرات مراکز علمی همچون اندیشکده ها و تبلیغات و ترویج آموزش و توسعه منابع انسانی و رشد و اعتلای فرهنگ و تربیت توسط اساتید و متفکران متخصص این حوزه می باشد. سیاستگذاری مناسب در توسعه پژوهش، مطابق نیازها، یک فرآیند فعال و پویا است که به طور مداوم با توجه به تغییرات و نیازهای جامعه به روز می شود. این سیاست گذاری باید به گونه ای طراحی شود که پاسخگوی نیازهای واقعی و چالش‌های مختلف جامعه باشد. به منظور اشراف بر چالش ها و ارائه راهکارها در حوزه های فرهنگی تربیتی و علمی و تبیین مسیر تصمیم گیری برای سیاستگذاران حوزه مذکور نشریه علمی و فرهنگی و تربیتی حاضر تحت عنوان «دو ماهنامه راش» برای رونق مسائل فرهنگی و علمی و پژوهش از طریق آموزش و توانمندسازی جوانان و ایجاد بانک اطلاعاتی مناسب از همه علاقه‌مندان به این حوزه دعوت می نماید که جهت رشد و اعتلای فرهنگ ایرانی و قرآنی و اسلامی و انتشار دانش صریح و فناوری های نوین و شناسایی استعدادها در این مزیت رقابتی و عصر انفجار هوش مصنوعی و علوم جدید تلاش وافر داشته باشند.



معلم در بین شکاف نظر و عمل

به قلم محمد امین رضایی | نشریه دانشجویی راش ، پاییز ۱۴۰۳

مباحث نظری در آموزش و پرورش، مثل یک نقشه برای معلمان است که مسیر حرکت در کلاس درس را روشن تر می کند. این مباحث، پایه و اساس درک و فهم اصول، روش ها و هدف آموزش را فراهم می کنند. مباحث نظری ابزار ضروری برای معلمان است تا درک عمقی از مبانی آموزش و پرورش داشته باشند و با استفاده از این مبانی، شرایط بهتری را برای یادگیری دانش آموزان فراهم کنند. با این همه به نظر می رسد دانشجومعلمان معتقدند این درس ها تأثیری در فرآیند تدریس ندارند. به قول گفتنی این درس ها به چه درد می خورند؟

نظر شما چیست؟

معلم در بین شکاف نظر و عمل

● محمد امین رضایی ● دانشجو معلم

احساس اینکه مباحث نظری به درد مدرسه نمی‌خورند، در بین بعضی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان وجود دارد. فاصله بین نظریه و عمل به وضعیتی اشاره دارد که در آن مفاهیم، اصول یا نظریه‌های آموزشی که در محیط‌های آموزشی (مانند دانشگاه‌ها یا دوره‌های تربیت معلم) تدریس می‌شوند، به طور مستقیم و مؤثر در عمل و در محیط‌های واقعی (مانند کلاس‌های درس) کاربرد ندارند. اگر دانشجومعلم‌ان در گذشته تجربیات منفی از یادگیری مباحث نظری داشته باشند، این تجربیات می‌تواند بر نگرش آن‌ها نسبت به مباحث جدید تأثیر بگذارد. باید به نحوی قبول کرد بسیاری از مباحث نظری که در دوره‌های آموزشی تدریس می‌شوند، ممکن است به طور مستقیم با واقعیت‌های روزمره کلاس‌های درس ارتباط نداشته باشند. درست است که گاهی دانشجومعلم‌ان تصور می‌کنند مباحث نظری در آموزش و پرورش به درد دنیای واقعی نمی‌خورند اما شاید این تصور از عدم ارتباط مناسب بین این مباحث و تجربه عملی تدریس نشأت بگیرد. گاهی مباحث نظری به صورت تئوری و غیر کاربردی ارائه می‌شوند و دانشجومعلم‌ان نمی‌توانند ارتباط آن را با واقعیت کلاس درس درک کنند. همچنین برخی از دانشجومعلم‌ان ممکن است بر یادگیری مهارت‌های آموزشی مثل مدرس بودن و مدیریت کلاس تمرکز داشته باشند و احساس کنند مباحث نظری به آن‌ها کمک کمی می‌کند. این فاصله می‌تواند باعث شود که دانشجومعلم‌ان احساس کنند که این مباحث در عمل کاربردی نیستند. شاید اگر دانشجومعلم‌ان فرصت کافی برای تجربه عملی و مشاهده تأثیرات مباحث نظری در کلاس‌های درس را نداشته باشند، ممکن است نتوانند ارزش واقعی آن‌ها را درک کنند. همچنین بعضی از روش‌های تدریس اساتید صرفاً به صورت یک‌طرفه و صرفاً بر پایه lecturing (سخنرانی) هستند، ممکن است باعث شوند که دانشجومعلم‌ان احساس کنند که مباحث نظری خسته‌کننده و بی‌فایده‌اند.

برای کاهش این احساسات، لازم است که برنامه‌های آموزشی به گونه‌ای طراحی شوند که به ارتباط بین نظریه و عمل توجه بیشتری داشته باشند و فرصت‌های بیشتری برای یادگیری عملی فراهم کنند.

این فاصله می‌تواند به دلایل مختلفی چون، عدم تطابق محتوای آموزشی با واقعیت‌های کلاس درس، عدم تجربه عملی، روش تدریس ناکارآمد، چالش‌های محیطی، تفاوت‌های فردی و... باشد.

گاهی اوقات سیستم‌های آموزشی یا سیاست‌گذاران نیز نمی‌توانند از معلمان در پیاده‌سازی نظریه‌های جدید حمایت کنند که این امر به فاصله بین نظریه و عمل، دامن می‌زند. عدم پشتیبانی از سوی سیستم آموزشی به وضعیتی اشاره دارد که در آن سیاست‌ها، منابع و ساختارهای موجود در یک سیستم آموزشی (مانند وزارت آموزش و پرورش، ادارات آموزش و پرورش محلی، و مدارس) به گونه‌ای نیستند که معلمان و دانش‌آموزان را در پیاده‌سازی نظریه‌های آموزشی و روش‌های نوین تدریس حمایت کنند. سیاست‌ها و قوانین آموزشی ممکن است



- اگر فرهنگ سازمانی بر اساس ترس از اشتباه، عدم پذیرش تغییر یا عدم اعتماد به نفس معلمان باشد، این می‌تواند مانع از نوآوری و استفاده از نظریه‌های جدید شود.

به گونه‌ای طراحی نشده باشند که از نوآوری و تغییرات در روش‌های تدریس حمایت کنند. اگر سیستم آموزشی به تغییرات انعطاف‌پذیر نباشد، معلمان ممکن است از پیاده‌سازی نظریه‌های جدید خودداری کنند.

فرهنگ حاکم بر یک سیستم آموزشی می‌تواند تأثیر زیادی بر حمایت از معلمان داشته باشد. اگر فرهنگ سازمانی بر اساس ترس از اشتباه، عدم پذیرش تغییر یا عدم اعتماد به نفس معلمان باشد، این می‌تواند مانع از نوآوری و استفاده از نظریه‌های جدید شود.

برای کاهش این فاصله، لازم است که برنامه‌های آموزشی به گونه‌ای طراحی شوند که شامل تجارب عملی، آموزش مهارت‌های انطباقی و فراهم کردن حمایت‌های لازم برای معلمان در محیط‌های واقعی باشند. همچنین، ایجاد ارتباط نزدیک‌تر بین دانشگاه‌ها و مدارس می‌تواند به کاهش این فاصله کمک کند.

اینجا سرای من است !

به قلم دکتر روح الله کشاورز | نشریه دانشجویی راش ، پاییز ۱۴۰۳

اولین مهارت در نگاه معنویت، خودشناسی است تا شما روی خود مطالعه نکنید ویژگی‌ها ، توانایی‌ها و ضعف‌های خود را شناسید، نمی‌توانید با خدای خود و حتی با دیگران و طبیعت ارتباط بگیرید. تأثیر درونی برای تقویت معنویت، اختصاص زمانی برای خودشناسی است.

اینجا سرای من است

• روح الله کشاورز • کارشناس مسئول امور دانشجویی و فرهنگی

زندگی سالم به سبک دانشجویی

سلام به شما دانشجومعلمان عزیز و مخاطبان فرهیخته. خوشحالم که در اولین مجله دانشجویی این مرکز آموزش عالی، مطلبی می‌نویسم و شما عزیزان آن را می‌خوانید. به سفارش گروه وزین تحریریه مجله دانشجویی «راش» قرار شد در خصوص موضوعی با شما گفتگو کنم. موضوعی جذاب که بتواند در این فرصت کم مباحث جذابی داشته باشد. بله موضوع این نوشتار «زندگی سالم به سبک دانشجویی در یک خوابگاه پسرانه» است. تجربه زیسته چندساله من به طور مستقیم و غیر مستقیم با وظیفه سرپرستی شبانه روزی و کارشناس مسئول امور دانشجویی در پنج سال اخیر در دانشگاه فرهنگیان شهید مطهری نوشهر گویای این مطلب است که زندگی دانشجویی در خوابگاه تجربه‌ای پرچالش و پرهیجان است. دوری از خانواده در بهترین سن و حساس ترین دوره‌ی زندگی یعنی گذار نوجوانی و ورود به دوران پراز جذابیت جوانی و انتخاب‌های بزرگ زندگی یکی از این چالش‌هاست. اما برای داشتن یک زندگی سالم و مستقل در این دوره، تجارب علمی و مطالعات زندگی افرادی مانند شما خالی از لطف نیست و این نوشتار در عین گفتمان خودمانی یک گفتگوی علمی است. توجه به نکاتی برای بهتر زیستن در این زیست‌بوم جدید و عصر فناوری‌های حیرت انگیز نیاز به مهارت‌های جدید دارد. مهمترین آن در اولین نگاه توجه به تغذیه سالم است. هم شما و هم ما می‌دانیم زندگی در خوابگاه‌ها گزینه‌های محدودی برای تغذیه

دارند و اگرچه بر اساس یک دستورالعمل ستاد تغذیه استانی، توجه به هرم غذایی و خرید مواد اولیه سالم از وظایف دانشگاه است. اما به هر تقدیر بر اساس نظرسنجی‌های شما دانشجویان و نظرات شورای صنفی در برخی از زمان‌ها و ایام سطح رضایت شما در حد قابل قبول است و پیگیری‌ها برای رسیدن به حد مطلوب مثال زدنی است. پیشنهاد ما به شما دانشجومعلمان خوردن به موقع صبحانه است و مدیریت برنامه غذایی که بر اساس تحقیقات برای حفظ سلامتی شما مفید است. در برنامه غذایی خود در میان وعده‌ها میوه بخورید. موضوع دیگری که در این نوشتار آن را به شما سفارش می‌کنم و تا پایان عمر مبارک از آن بهره‌خواهید برد ورزش و فعالیت بدنی است. مرکز شهید مطهری نوشهر شاید از زیباترین مراکز طبیعی کشور باشد پای کوه، پر از درختانی مانند «راش» و روبه روی دریای خزر زیبا و فضای سبز قشنگ که زمین استاندارد چمن فوتبال و دورتا دور آن مناسب برای دویدن و یک باشگاه بدنسازی اگرچه کوچک اما به همت مسئولان دانشگاه به وسایل مناسب تجهیز شده است، حتما در این فضای نزدیک به خوابگاه شهید کتولی که در آن زندگی می‌کنید، زمانی برای ورزش اختصاص دهید. تمرینات ساده‌ای مانند پیاده‌روی، دویدن در محوطه خوابگاه، یا انجام تمرینات بدنسازی در سالن بدنسازی و به همراه یک دوست خوب، در سالن پینگ پنگ و فوتبال دستی وقت بگذارید. این فعالیت‌های بدنی می‌تواند به حفظ سلامت جسمی

با محوریت دانشجویی رعایت بهداشت و مراقبت بهداشت فردی و جمعی است. در اتاق‌هایی که برای شما در نظر گرفته شده استاندارد تعداد افراد به فضای اتاق رعایت نشده و ما خود می‌دانیم مانند کلاس‌های درس آینده شما که دانش‌آموزان شما نیز استاندارد نخواهد بود و این موضوع با مطالبی که در این گفتمان آوردم قابل تحمل است. در برخی از مواقع شرایط سخت محصول سیاست‌گذاری‌هاست و کشور در موقعیت خاصی قرار دارد که می‌توان با تاب‌آوری آن را مدیریت کرد. استفاده از وسایل شخصی و تمیز نگه داشتن محل زندگی، برای جلوگیری از بیماری‌ها و افزایش سلامت عمومی تنها راهکار است که دست یاری به سوی شما دراز می‌کنیم. خودتان و دیگران را دوست داشته باشید. به نکات بهداشتی و اخبارهای چگونگی زندگی سالم در دوران دانشجویی و زندگی در خوابگاه ضمن توجه داشتن، الزام رعایت آن را در دستور کار قرار دهید.

نکته‌ای دیگر و پایانی در این نوشتار توجه به معنویت در زندگی دانشجویی است. مطالعه زندگی‌نامه شهدا، علما، فرهیختگان و اندیشمندان در گذشته و دستیابی به بالاترین سطح زندگی در این دنیا نشان داد این افراد در دوران نوجوانی و جوانی علاوه بر خودتربیتی و خودمدیریتی به یک ساختار سبک زندگی خود توجه ویژه داشتند. این سبک در قالب توجه به معنویت نمایش داده می‌شد. دوران دانشجویی چه خوابگاهی باشی و چه ترددی به عنوان یک انسان در زیباترین و حساس‌ترین دوره زندگی که پر از انتخاب‌های شگرف و جذاب پیش روی شماست (که اگر فرصت باشد و اعضای تحریریه دستور دهند موضوع بعدی گفتگو با شما فرهیختگان را با محوریت این انتخاب‌ها قلم خواهیم زد!) ویژگی و آثار معنویت را دوست دارد و به دنبال آن می‌گردد. نتایج تحقیقات نشان داده که توجه به آن به



• دانشگاه فرهنگیان شهید مطهری نوشهر

کمک کند. استرس شما را که از خصایص این نسل و بیماری قرن است می‌کاهد. موضوع دیگری که از تجارب زیسته ما در جمع شما خوبان است و گاهی مواقع یک چالش بین سرپرست شبانه روزی و دانشجوی خوابگاهی محسوب می‌شود و برخی از شما خاطرات گفتنی از آن دارید، موضوع بهداشت خواب و خواب کافی و با کیفیت است. بر اساس استانداردهای اسکان در خوابگاه و زندگی دانشجویی ساعت ۲۳ شب خاموشی در سرا است چرا که نتایج تحقیقات نشان داد برای عملکرد ذهنی و جسمی خوابیدن بین ساعت ۲۳ الی ۵ صبح نوعی آماده سازی سلاطین بدن (مغز، قلب، کبد) است. توجه به این موضوع بسیار مهم است. تعیین خواب منظم، ایجاد محیط خواب آرام و دوری از استفاده از دستگاه‌های الکترونیکی قبل از خواب می‌تواند به بهبود کیفیت خواب کمک کند. لطفا در عادت دادن بدن به این سبک زندگی توجه داشته باشید. سخن دیگر ما در این نوشتار در یک زندگی جمعی دوستانه

دانشجویی فرصتی برای این مهم مهیا شده است. شرکت در مراسم مذهبی و معنوی برای شما آینده‌سازان این کشور اسلامی که نورچشمان امامین انقلاب هستید، کمک خواهد کرد تا ارتباط عمیق‌تری با ایمان و اعتقادات خود که از دستورات اهل البیت(ع) است، برقرار کنید و ضمن حفظ این مهارت دنیوی و اخروی از برکات بی شمار آن که دشمن نسبت به آن هراس دارد نیز بهرمنند خواهید شد. زندگی در سرای دانشجویی ابعاد جذاب دیگری هم دارد که اگر قابل باشیم در گفتمان‌های بعدی نشریه دانشجویی راش به سمع و نظرتان خواهیم رساند. ان‌شاءالله.

دکتر روح الله کشاورز (مدرس و کارشناس مسئول امور دانشجویی و فرهنگی دانشگاه فرهنگیان شهید مطهری نوشهر)



• دانشگاه فرهنگیان شهید مطهری نوشهر

سلامت روانی، احساسی و حتی جسمی شما کمک خواهد کرد. اولین مهارت در نگاه معنویت، خودشناسی است تا شما روی خود مطالعه نکنید ویژگی‌ها، توانایی‌ها و ضعف‌های خود را نشناسید، نمی‌توانید با خدای خود و حتی با دیگران و طبیعت ارتباط بگیرید. تأثیر درونی برای تقویت معنویت، اختصاص زمانی برای خودشناسی است. خودتان را دوست داشته باشید و خداوند متعال را به خاطر نعمات بدنی و سلامت فکر و احساس بودن شکرگذاری کنید. مقوله‌ی دیگر در تقویت معنویت نماز است. تحت هیچ شرایطی این گفتگو را با خالق خود که یک فریضه واجب است را ترک نکنید. احکام دین بر اساس آیات قرآن که خداوند آن را آسان شمرده برای تعالی انسان در همه عصرهاست. شرکت در مراسم مذهبی و معنوی را چه در دانشگاه و چه بعد از آن در زندگانی خود ترک نکنید. اگر زمانی دانشگاه این همگرایی را به هر دلیل انجام نداد، عضویت در انجمن‌ها، کانون‌ها و بسیج



تدبیر منزل

به قلم امیرحسام خادمیان | نشریه دانشجویی راش ، پاییز ۱۴۰۳

همیشه بر خورد و تقابل بین مرد و زن در طول تاریخ جهان دستمایه حرف و حدیث‌های زیادی بوده است . اما بر هر مرد و زنی واضح و آشکار است که هر دو مانند بال هایی برای پرواز به سمت تعالی و موفقیت هستند پس با یک بال نمی شود پرواز کرد.

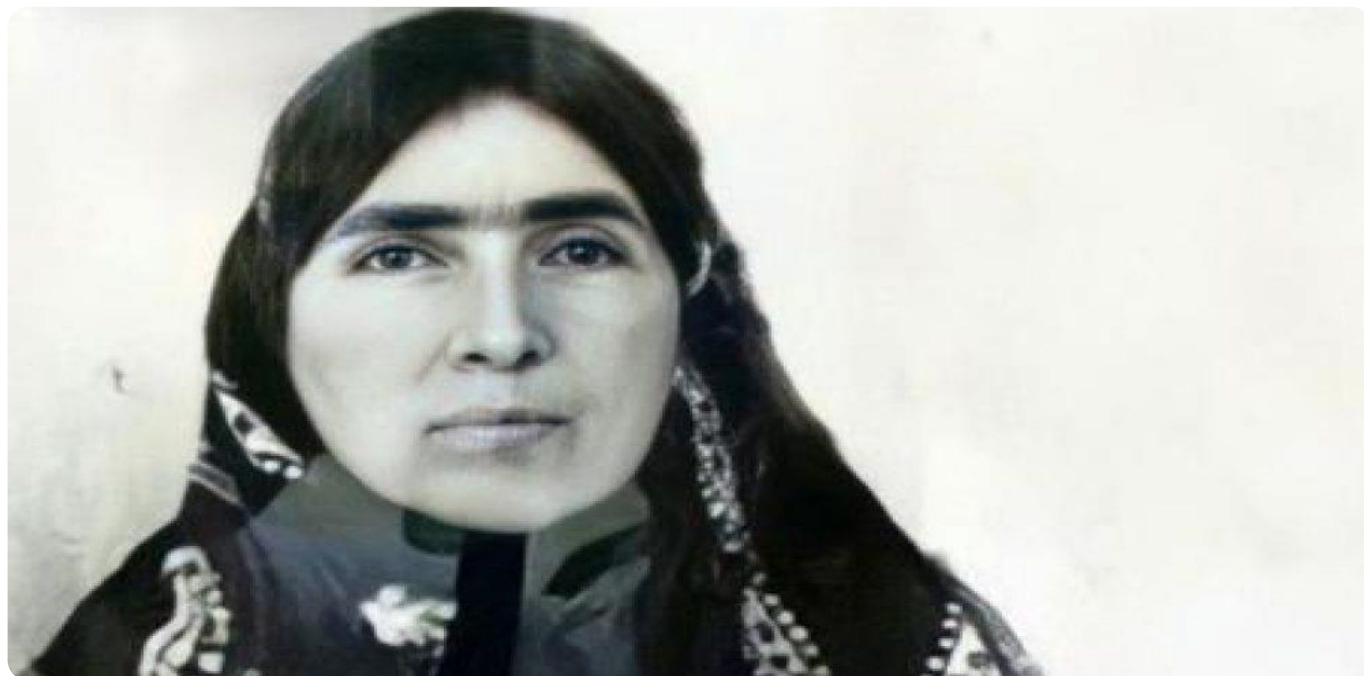
«نه هر مردی از هر زنی فزونتر است و نه هر زنی از هر مردی فروتر انواع و اقسام از خواص و عوام زن و مرد خوب و بد هر دو میباشند صفات حمیده و رذیله از همه قسم مشاهده میشود اگر باید تربیت بشوند باید همه را بنمایند؛ و تربیت هم موقوف به تمام قوانین تمدن و تدین ملیه و دولتی و شرعی و عرفیه کشوری و لشکریه میباشد.»

رویکرد تاریخی در تدوین کتب درسی متناسب با ساختار خانواده در ایران

بینش و اندیشه خاص انسان نسبت به جهان پیرامون، او را موظف به تعیین حدود میکند. قسمت زیادی از نحوه تعامل در زندگی و محیط اجتماعی منوط به دیدگاه فکری متناسب به یک مکتب مشخص است که انسان، خود را متعلق به آن می‌داند. در این کشمکش انسان حداقل به دنبال تجویز و تعیین و عمل به یکسری بایدها و نبایدهای مهم در زندگی اجتماعی است. برای نیل به این هدف باید هرچیزی را در جای خود قرار داد؛ به طوری که انتظار ما از هر پدیده‌های منطبق با توانایی‌های بالقوه و بالفعل آنها باشد. این امر نیازمند تدبیر است. در تقسیم‌بندی فلسفه اسلامی، حکمت عملی جز مهم فلسفه مشائی به حساب می‌آید که در پی اندیشیدن و چاره کردن در بایدها و نبایدهایی است که ممکن است بخشی به اخلاقیات بخشی به سیاست یا حتی به خانه و خانواده مربوط باشد. برای رسیدن به سعادت و کمال و همچنین تحقق مدینه فاضله نگاه فیلسوفان مسلمان معطوف به خانه و خانواده بود. حکمت عملی توسط این بزرگان به سه قسمت تدبیر منزل، سیاست مدن، تهذیب نفس (اخلاق) تقسیم می‌شود. مدیر عالم، ذات اقدس الهی است. مدبر در سیاست به بیان امروزی رئیس جمهور است و در نهایت مدبر خانه، رب البیت (مادر) است.

با توجه به این نگاه، فلاسفه اسلامی (حداقل فیلسوفان مشائی) رساله‌های مختلفی تحت عنوان تدبیر منزل تدوین کرده‌اند. موضوع بحث در این رسائل تعیین بایدها و نبایدها در مورد خانواده، نحوه ارتباط مرد با همسر و فرزند، انتخاب همسر، تربیت فرزند، طریقه مال اندوزی و مصرف و... می‌باشد. همان طور که گفته شده این نوع نگاه می‌تواند متناسب با بینش و دیدگاه فکری هر انسان و جامعه‌ای متفاوت باشد در ایران قدیم همه چیز به دور پدر (مرد) می‌چرخید در نتیجه محوریت و مخاطب رساله‌های تدبیر منزل «پدر» بود. شیوه تربیتی سفارش شده در مورد پسران بود و تنها در چند جمله به چگونگی رفتار با دختران اشاره می‌شد. الگوهای جنسیتی بر نویسندگان آن تا حدود زیادی سیطره داشت و نقش مادر در تربیت فرزند یا انس و الفت فرزند با مادر بسیار کم رنگ بود. البته این رسائل برای راهنمایی و استفاده نخبگان مذکر جامعه که عمدتاً پیش قراولان نظام سیاسی یا حاکمیتی بودند به نگارش در می‌آمد و بیشتر شبیه اندرزنامه‌های اجتماعی معطوف به افکار دینی نویسندگان آن بود تا یک متن فلسفی صرف. از مهم ترین رساله‌های تدبیر منزل می‌توان به کیمیای سعادت نوشته امام محمد غزالی، اخلاق ناصری نوشته خواجه نصیرالدین طوسی، قابوس نامه، نوشته عنصر المعالی کیکاووس و... اشاره کرد.

با رسوخ اندیشه‌های تربیتی غرب در ایران معاصر تألیف کتابچه‌هایی با این عنوان، قوام و انسجام فکری رسالات گذشته را نداشت. اوامر بدون هیچ اما و اگر فلسفی و منطقی با جملات کوتاه و خلاصه مطرح می‌شد. شیوه تربیتی، اقتدار گرایانه بود. نهایت چانه زنی و استدلال در آن آوردن چکیده‌ای از آیات و روایات بود. در دوران ناصری، رساله‌ای تحت عنوان «تأدیب النسوان» چاپ شد. این نصیحت‌نامه به صورت مضحکانه سعی در برقراری گفتمانی مردانه داشت. در پی انتشار این رساله بی‌بی فاطمه خانم استرآبادی که از نخستین پیشگامان بهبود وضع زنان در جامعه و مؤسس اولین مدرسه



• عکس از بی بی خانم استار آبادی

دخترانه بود رساله ای با نام «معایب الرجال» تألیف کرد. البته آن نوشته هم نوعی فمینیسم افراطی بود که جنس کلام آن را می‌توان در خاطرات تاج السلطنه، دختر ناصرالدین شاه پیدا کرد. با به ثمر رسیدن نهضت مشروطه زنان به مطالبه حقوق خود در جامعه پرداختند. مهم ترین آن حقوق بهرمندی از آموزش بود. البته دست یافتن به این امر چندان کار آسانی نبود که بیان ماجراهای آن در این مقال نمی‌گنجد. این آثار با نگاه صفر و صدی به ساحت خانواده راه به جایی نبرد. حتی منجر به تنش و سرکوب های نامعقول نیز گشت. جامعه دیگر نتوانست مبانی این آثار را به راحتی بپذیرد و بر آن ایرادات اساسی وارد کرد. در نتیجه با آشنایی ایرانیان با پدیده نو ظهور تجدد غربی در دوران پسا مشروطه باز اندیشی نسبت به روابط بین زن و مرد و حتی شیوه تربیت کودک اتفاق افتد. در هر صورت همراه با احقاق یکسری از حقوق زنان، کتابچه های تدبیر منزل هم دچار تحول و دگرگونی شد. دیگر فقط مخاطب این رساله ها مردها نبودند بلکه زن ها هم به عنوان قلب خانه نقش و مسئولیت های تعیین کننده ای را پذیرفتند. بعد از مدتی این رساله ها تبدیل به کتاب های آموزشی شدند که در مدارس به ویژه مدارس دخترانه تدریس می شد. محتوای رساله های تدبیر منزل هم تا حدود زیادی دست خوش تغییر گشت و دیگر رویکرد فلسفی و کلامی سابق را نداشت چرا که تبدیل به یک رساله کاربردی در جامعه شد به طوری که با رشته هایی مثل طباحی و خیاطی و... آمیخته شد.

عصر یخبندان معلمان

به قلم امیر محمد بصیری | نشریه دانشجویی راش، پاییز ۱۴۰۳

سواد در قرن جدید به معنای توانایی فهم و استفاده از اطلاعات در زمینه‌های مختلف زندگی است. این مفهوم فراتر از خواندن و نوشتن سنتی رفته و شامل مهارت‌های دیجیتال، تفکر انتقادی، توانایی حل مسئله، و آگاهی فرهنگی و اجتماعی می‌شود. در عصر دیجیتال، سواد اطلاعاتی نیز اهمیت زیادی پیدا کرده است؛ یعنی توانایی جستجو، ارزیابی و استفاده از اطلاعات از منابع مختلف، به ویژه اینترنت. به علاوه، سواد رسانه‌ای نیز به عنوان یک جنبه مهم دیگر مطرح است که شامل توانایی تحلیل و نقد پیام‌های رسانه‌ای و شناخت تأثیرات آن‌ها بر جامعه می‌شود. بنابراین، سواد در قرن جدید یک مفهوم چندبعدی است که شامل مهارت‌های فنی، اجتماعی و شناختی است و برای موفقیت در دنیای پیچیده امروزی ضروری است.

عصر یخبندان معلمان

• امیرمحمد بصیری • دانشجو معلم

در گذشته به افرادی که توانایی خواندن و نوشتن داشتند باسواد گفته می شد و این تعریف را برای ما جا انداختند. اما امروزه باسواد به فردی گفته می شود که مهارت های زندگی را داشته باشد و بتواند در زندگی خویش تغییر ایجاد کند. در گذشته سوادهای مهم شامل کشاورزی، دامداری، خانه داری و... می شد و معلم این سواد، پدر و مادر بودند. در واقع افراد، نیازی به مدرسه و دانشگاه نداشتند به طور مثال اگر پسری می دید پدر برنج کار خوبی است، او هم برنج کار خوبی می شد. از طرفی دخترها پیرو مادرها سواد زندگی همچون آشپزی را می آموختند. اما با گذشت زمان و ورود صنعت به کشور، نیاز به نیروی کاری که سواد ورود به عرصه صنعتگری را داشته باشد، موجب پیدایش مدارس، توسط کارخانه دارها شد تا مکانی باشد برای یادگیری سواد استفاده از ابزارها.

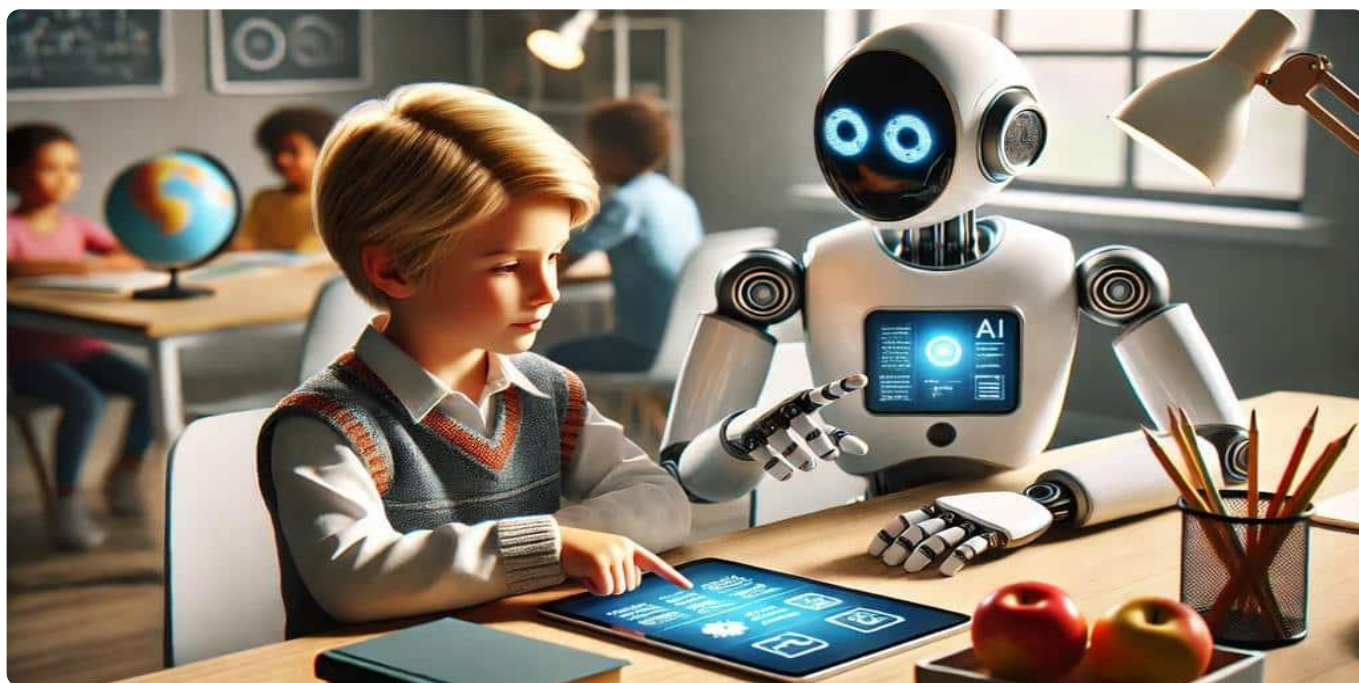
طبق تعریف آقای الوین تافلر، نویسنده و آینده پژوه آمریکایی، بی سواد در قرن بیست و یکم کسی نیست که صرفا سواد خواندن و نوشتن نداشته باشد، بلکه بی سواد کسی است که نتواند یاد بگیرد، نتواند خودش را بروز دهد و نتواند خیلی چیزها را فراموش کند. به بیان دیگر باسواد کسی است که توانایی کسب دانشی که تبدیل به مهارت شود تا موجب تغییر در زندگی شود را داشته باشد. حال آیا آنچه در زندگی می آموزیم موجب تغییر و تحول در زندگی های مان می شود؟ یا فکر می کنیم سواد است؟

سواد های ضروری قرن بیست و یک تقسیم بندی شده توسط سازمان یونسکو عبارتند از :

۱. سواد تربیتی ۲. سواد رسانه ای ۳. سواد ابزارهای دیجیتال ۴. سواد عاطفی ۵. سواد ارتباطی ۶. سواد مالی

احتمالا برای شما هم پیش آمده که برای خرید محصول مشخصی به یکی از فروشگاه های زنجیره ای رفته باشید. مواد غذایی مورد نیاز شما به طور مثال محصولات لبنی است که در انتها فروشگاه قرار دارد و شما برای رسیدن به آنجا باید از میان قفسه ها و انبوهی مواد غذایی رد شوید. هر چه پیشتر جلو می روید محصولات بیشتری در دید شما قرار می گیرند و ناخودآگاه شما را ترغیب به خرید محصولاتی می کنند که شاید اصلا نیازی به آنها نداشته اید. در نهایت هم با انبوهی از مواد غذایی که برنامه ای برای خرید آنها نداشتید، از فروشگاه خارج می شوید. در این اصل نیازها پشت سر هم قرار داده می شوند تا بتوانند مشتری را ترغیب به خرید محصولات خود کنند. حال همین اصل در دنیای فضای رسانه ای نیز دیده می شود. در قالب اصل اضافه بار در فضای مجازی.

برای یک کار مشخص وارد فضای مجازی می شویم، اما ناگهان با صفی طولانی از محتواهای گوناگون مواجه شده و تا به خودتان می آییم، می بینیم ساعت ها زمان ارزشمندتان در فضای بی پایان مجازی از دست رفته است. در دنیا امروز با انبوهی از اطلاعات رو به رو هستیم که در ظاهر سرگرم کننده اما در واقعیت هیچ ارزشی ندارند. خیلی از این اطلاعات که روزمره به عنوان اطلاعات بروز و سودمند تعریف می کنیم، اطلاعات آشغال محسوب می شوند. مثل دانستن دلیل تفاوت امتیاز دو فیلم سینمایی یا تفاوت دو کنسول بازی. پیش بینی می شود تا



• نسل زد علاقه شدیدی به ارتباطات مجازی و رسانه های دیجیتال دارد و طرفدار خلاقیت و نوآوری است

سال ۲۰۲۷ هوش مصنوعی به اندازه ای توسعه پیدا می کند که می تواند همانند انسان فکر کند و مرحله بعدی که بین سال های ۲۰۳۰ تا ۲۰۳۵ اتفاق می افتد، مرحله ای است که تکنولوژی هوش مصنوعی از هوش انسانی فراتر می رود.

قدم هایی که ما در حوزه هوش مصنوعی تا به امروز برداشته ایم، همانند قدم های کودکی است که سه یا چهار سال بیشتر ندارد و زبان ما را آموزش ندیده و نیاز به توسعه و پیشرفت دارد. البته باید در نظر داشت قدم های ما در حوزه هوش مصنوعی در سال های اخیر به شدت کاربردی و تاثیرگذار بوده اند. این پیشرفت ها در زمینه های مختلفی از جمله فناوری، پزشکی، صنعت، و زندگی روزمره قابل مشاهده است. قدم های ما در حوزه هوش مصنوعی نه تنها به افزایش کارایی و کاهش هزینه ها کمک کرده اند، بلکه توانسته اند کیفیت زندگی انسان ها را نیز بهبود بخشند. با این حال، چالش هایی نظیر مسائل اخلاقی، حریم خصوصی و امنیت نیز وجود دارد که باید به آن ها توجه شود تا از پتانسیل هوش مصنوعی به بهترین شکل استفاده گردد.

متولدین دهه هشتاد به نسل زد معروف هستند. نسل زد علاقه شدیدی به ارتباطات مجازی و رسانه های دیجیتال دارد و طرفدار خلاقیت و نوآوری است. آنها نظرات و احساسات شخصی خود را به صورت آزاد مطرح می کنند. دارای اعتقاد جدی به گفتگو و مذاکره برای بهبود وضعیت هستند. متعهد به اصول اخلاقی بوده و نیاز به باور و اعتماد دارند.

طبق تحقیقاتی که انجام شده بالاترین اولویت متولدین دهه هشتاد یا نسل زد، توسعه شخصی است. سپس به ترتیب رشد بالا، ارتباط با شبکه، پایداری شغلی، تعادل بین کار و زندگی در اولویت قرار دارند.

تاریخچه آموزش و پرورش در ایران باستان

به قلم امیر استبصاری | نشریه دانشجویی راش، پاییز ۱۴۰۳

تاریخ مثل یک رودخانه بزرگ و عمیق است که جریانش همیشه رو به جلو است. هر نقطه از این رودخانه، داستانی از گذشته را در خود دارد که بر شکل و مسیر رودخانه و آینده آن تأثیر گذاشته است. تاریخ، تأثیر عمیقی بر زندگی ما دارد. ما از اشتباهات و موفقیت های گذشتگان درس می گیریم، از فرهنگ ها و ارزش های گذشته الهام می گیریم و با توجه به تجربیات گذشته آینده خود را می سازیم. تاریخ، هویت ما را شکل می دهد. با مطالعه تاریخ، می فهمیم که ما چه کسی هستیم و از کجا آمده ایم. این درک به ما کمک می کند تا در مورد آینده خود تصمیمات مناسبی بگیریم. البته تاریخ تنها یک مجموعه از وقایع گذشته نیست. تاریخ در واقع یک بحث و مناقشه همیشگی است که روایت های متفاوت و گاهی متضاد را در خود جای داده است. ما با مطالعه تاریخ با این روایت ها آشنا می شویم و با چشم انتقادی آنها را مورد بررسی قرار می دهیم.



آموزش و پرورش در ایران باستان

دوره‌های تاریخی ایران باستان، قشر و طبقه‌ی خاصی از جامعه آموزش می‌دیدند و دانش‌آموزان در سه گروه تقسیم‌بندی می‌شدند که در ادامه آمده است:

۱- دانش‌آموزان خاص (شاهزادگان و بزرگ‌زادگان که علوم جنگی، سیاسی و کشورداری به آن‌ها تعلیم داده می‌شد).

۲- دانش‌آموزان حرفه‌ای (فرزندان موبدان، مغان، صنعت‌گران و پیشه‌وران که فن و حرفه پدری به آن‌ها آموخته می‌شد).

۳- دانش‌آموزان عمومی (فرزندان کارمندان دربار، بازرگانان و معلمان که مورد آموزش امور اداری، اقتصادی و فرهنگی قرار می‌گرفتند).

آموزش و پرورش در عهد ساسانی تقریباً همانند دوران هخامنشیان پیش رفت و موضوعاتی مانند اخلاق، مناعت نفس، جوانمردی، سلحشوری و وطن‌پرستی از مهم‌ترین محورهای آموزش به حساب می‌آمد؛ مضاف بر این‌ها بخش‌های دینی، تربیت‌بدنی، خواندن، نوشتن و حساب کردن نیز در دستور آموزه‌های پرورشی قرار می‌گرفت. در این دوران، شیوه آموزش و پرورش فرزندان به این صورت بود که در ابتدا برنامه تحصیلی و آموزشی و مدت آن مقرر می‌گشت و والدین در انتخاب آموزگار آزاد بودند، سپس دولت با فراهم ساختن کلیه ملزومات این مسیر، اهداف و عقاید مناسب و طبق

باستان‌شناسان در آثار به جا مانده از تخت جمشید، اسنادی یافته‌اند که متعلق به زمان سلطنت داریوش یکم (سال ۴۹۹ پیش از میلاد) بوده و عبارتی جالب توجه با این مضمون بر روی آن نقش بسته است: «پسران پارسی که متن‌ها را رونویسی می‌کنند» و این یعنی پسران از کودکی به یادگیری خط میخی پارسی می‌پرداختند چون ایرانیان بر این باور بودند که دانش و ادب هر فرد، صفات و کردار نیک را به دنبال خواهد داشت. این در حالی است که در آن زمان، تنها برخی از کاتبان نزدیک به پادشاهان از این علم برخوردار بودند که در اکثر موارد هم برای ثبت فتوحات و کشورگشایی‌ها از خط و نوشتار بهره می‌بردند. در زمان هخامنشیان، کودکان از بدو تولد تا سن ۵ الی ۷ سالگی باید فقط نزد مادران خود و در محیط خانواده، آموزش‌های ابتدایی و نحوه صحیح آداب زندگی را پشت سر می‌گذاشتند. پس از آن (۵ الی ۲۰ سالگی) برای ورود به مدرسه و آموزش‌های همگانی مانند اسب سواری، تیراندازی و راست‌گویی آماده می‌شدند. ایرانیان باستان دروغ گفتن را بزرگترین گناه و توهین می‌پنداشتند و مهارت جنگیدن و جنگاوری را نشانی از مردانگی بر می‌شمردند. علاوه بر این، آموزش‌های فرمان برداری، صبر و شکیبایی، عدالت و آموزش و تعلیم توسط مغان (مُغ‌ها) و روحانیان زرتشتی در آتشکده‌ها انجام می‌گرفت ولی به دستور داریوش اول، مدارس هم برای آموزش علوم مختلف و فنون نظامی تأسیس گردید. در این دوران همانند

سایر



• دانشگاه جندی شاپور ، دزفول

مهاجرت کردند و پادشاه وقت ساسانی با تکریم و احترام، آن‌ها را پذیرفت. به تدریج دانشگاه گندی شاپور تبدیل به مجمعی گردید که دانشمندان ایرانی در کنار دانشمندان یونانی، هندی و رومی به فعالیت‌ها و پژوهش‌های علمی می‌پرداختند. در این زمان، کتب ارزشمندی در دانشگاه گندی شاپور به زبان پهلوی ترجمه شدند که از آن‌ها می‌توان کلیله و دمنه، ویس و رامین، خدای‌نامه و هزار افسانه را نام برد. خسرو انوشیروان در همین دوران بیمارستانی را بنا کرد و بدین ترتیب آموزش طب ایرانی، هندی و یونانی بیش از پیش رونق گرفت.

سلیقه و صلاح کشور را در ساختار آموزشی القا می‌کرد. در دوره ساسانی به پیروی از دستورات زرتشت و با توجه به ذوق و علاقه مردم ایران زمین، آموزش و پرورش و همچنین کسب علم و دانش، نه تنها در سرتاسر کشور گسترش و رونق یافت بلکه آوازه فرهنگ و شیوه زندگی ایرانی به شرق و غرب نیز رسید. با استناد به شواهد، هنوز هم آموزش، کلیه اقشار جامعه را در بر نمی‌گرفت و در این دوره نیز محدود به اشراف و طبقات ممتاز جامعه بود. در زمان ساسانیان اقدامات گسترده‌ای در زمینه آموزش انجام گرفت که تأسیس مدرسه «رها» در شهر نَصیبین (شهری در جنوب ترکیه امروزی) از آن جمله بود. البته لازم به ذکر است که مهم‌ترین مرکز علمی و آموزشی عهد باستان یعنی «دانشگاه گندی شاپور» در دوره ساسانیان آغاز به کار کرد. دنبال تعطیلی فرهنگستان (مدرسه فلسفه) آتن، دانشمندان و حکیمان یونانی به شهر گندی شاپور

هفت تفاوت بین هوش مصنوعی و هوش انسانی

نشریه دانشجویی راش، پاییز ۱۴۰۳

به قلم ابوالفضل نصیری

هوش انسانی مخلوق خداوند است که به انسان هدیه داده است اما هوش مصنوعی توسط انسان ساخته شده است. هوش انسانی کیفیتی است که به انسان در یادگیری درک و حل مشکلات کمک می‌کند در حالی که هوش مصنوعی با اطلاعات دریافتی از انسان تقلید می‌کند.

هفت تفاوت بین هوش مصنوعی و هوش انسانی

• ابوالفضل نصیری • دانشجو معلم

هوش انسانی مخلوق خداوند است که به انسان هدیه داده است اما هوش مصنوعی توسط انسان ساخته شده است. هوش انسانی کیفیتی است که به انسان در یادگیری درک و حل مشکلات کمک می‌کند در حالی که هوش مصنوعی با اطلاعات دریافتی از انسان تقلید می‌کند.

هوش انسانی به توانایی علمی افراد اشاره دارد که به ما امکان می‌دهد فکر کنیم، از عبارات مختلف بهره ببریم ایده‌های پیچیده را درک کنیم مسائل عددی را حل کنیم از دانش برای دستکاری محیط خود و صحبت با هموعان خود استفاده کنیم چیزی که هوش انسان را قابل توجه می‌کند این است که توسط احساسات مفهومی برای دستیابی به تکالیف روانشناختی پیچیده پشتیبانی می‌شود.

هوش مصنوعی در تعریفی ساده به معنای فناوری است که می‌تواند ماشین‌ها را وادار کند مانند انسان‌ها فکر کنند و آن‌ها بتوانند مانند ما انسان‌ها کار کنند. این به ربات‌ها کمک می‌کند تا فعالیت‌های انسان را بر اساس رفتارشان کپی کنند و تقریباً در همه زمینه‌ها مانند صنایع مختلف، کارتون و انیمیشن، رسانه و غیره ایده داشته باشد. با توجه به کسب و کارهای شبکه‌های اجتماعی و فعالیت‌های دنیای مجازی شاید نگرانی اصلی از ظهور هوش مصنوعی و توسعه‌ی پرسرعت آن در حوزه فرهنگ و هنر و دیگر علوم، نگرانی اصلی در بدنه میانی جامعه و تولیدکنندگان ابزار، محتوا و آثار و آگهی‌ها و ... یعنی طراحان، کارمندان، فعالین دفتری و اداری و تکنیسین‌هاست که عملاً با نبود کار نگران از دست دادن درآمد و معیشت خود هستند.

تفاوت‌های اساسی بین هوش انسانی و مصنوعی:

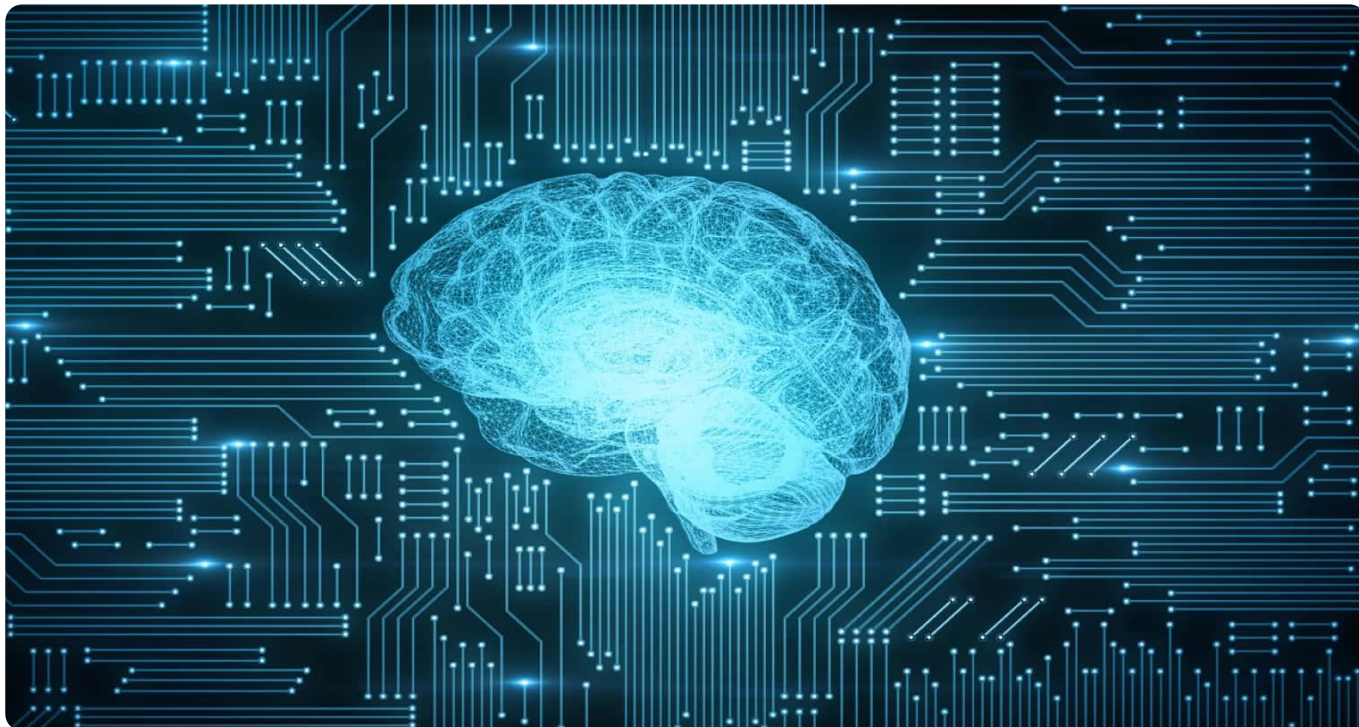
۱- اگر بتوانیم آن را از نظر طبیعت مقایسه کنیم، هوش انسانی قصد دارد با استفاده از ترکیبی از رویه‌های شناختی متمایز به محیط‌های مدرن بازنگری کند، در حالی که هوش مصنوعی قصد دارد دستگاه‌هایی ایجاد کند که می‌تواند رفتار انسان را شبیه‌سازی کند و اعمالی شبیه انسان انجام دهد.

۲- تفاوت ساده دیگر این است که انسان‌ها از ذهن و مغز و توانایی تفکر، حافظه خود استفاده می‌کنند، در حالی که ماشین‌های هوش مصنوعی به از دایره داده‌هایی که به آنها داده می‌شود فراتر نمی‌روند.

۳- هوش مصنوعی برای سازگاری با تغییرات جدید به زمان بیشتری نیاز دارد در حالی که انسان می‌تواند به راحتی با تغییرات سازگار شود و این باعث می‌شود افراد بتوانند چندین توانایی را بیاموزند و به دست آورند.

۴- کامپیوترهای مدرن معمولاً ۲ وات انرژی مصرف می‌کنند در حالی که مغز انسان حدود ۲۵ وات انرژی مصرف می‌کند.

۵- همان‌طور که همه ما می‌دانیم انسان‌ها از اشتباهات گذشته درس می‌گیرند و ایده‌های هوشمندانه و نگرش‌های هوشمندانه اساس هوش انسان است. اما ماشین‌ها نمی‌توانند فکر کنند و از گذشته درس بگیرند. آنها می‌توانند از اطلاعات و از طریق آموزش منظم بیاموزند، اما هرگز نمی‌توانند به روش تفکر منحصر به فرد انسان دست یابند.



• آیا توسعه هوش مصنوعی می‌تواند پایان نسل بشر باشد یا به زندگی انسان رنگ و بوی تازه ای می‌بخشد؟

۶- ماشین‌ها می‌توانند داده‌های بیشتری را در مقایسه با انسان‌ها با سرعت بیشتری مدیریت کنند. در حال حاضر، انسان نمی‌تواند سرعت کامپیوترها را شکست دهد.

۷- هوش مصنوعی توانایی انتخاب کدهای اجتماعی را ندارد. افراد در تعاملات اجتماعی بسیار بهتر هستند، زیرا می‌توانند داده‌های تحصیلی را توسعه دهند، خودآگاهی داشته باشند و نسبت به احساسات دیگران ظریف باشند.

ایده‌ساخت ماشینی که بتواند مانند انسان فکر کند از دنیای داستانی به دنیای واقعی رسیده است ربات‌ها می‌توانند کاری را انجام دهند که قبلاً غیر ممکن بود قبلاً غیر ممکن بود هوش مصنوعی راه درازی را از تبدیل شدن به یک جزء علمی تخیلی تا واقعیت طی کرده است و شکی نیست که هوش مصنوعی در آینده صنعت‌های مختلفی را شکل می‌دهد و جهان را به سطح بالاتری می‌برد اما هنوز نمی‌تواند دقیقاً سطح هوش انسان را تقلید کند. رایانه‌ها نمی‌توانند فرآیند فکری انسان‌ها را کپی کنند. از آنجایی که دانشمندان هنوز پیچ و خم دقیق تفکر انسان را نمی‌دانند از این رو بسیار نامشخص است که بتوانیم بزودی ماشین‌هایی تولید کنیم که بتوانند مانند انسان فکر کنند. اما سوال اساسی در مورد هوش مصنوعی این است که: آیا توسعه هوش مصنوعی می‌تواند پایان نسل بشر باشد یا به زندگی انسان رنگ و بوی تازه ای می‌بخشد؟



مسیر رشد

محمد جواد عبدالمهی

| نشریه دانشجویی راش، پاییز ۱۴۰۳

ما پیش از آنکه تشنه شده باشیم، نوشیده‌ایم و پیش از آنکه به اشتها آمده باشیم و با سؤال‌ها گلاویز شده باشیم، خود را تلنبار کرده‌ایم و پیش از آنکه به معناها دست یافته باشیم، به کلمه‌ها رسیده‌ایم ...

[عشق به حق و ایمان به او تمام سرمایه‌ها را به جریان می‌اندازد و تمام استعدادهای ما را به کار می‌کشد. به چه کاری؟ این کارها با نظر معشوق بستگی دارد. عاشق، چشم به فرمان معشوق است، اگر او صالح باشد و صالح بخواهد، عاشق، صالح می‌شود و صالح می‌آورد. هنگامی که عشقی در سینه نشست و معشوق در دل خیمه زد، ناچار خواسته‌های این معشوق، عاشق را حرکت می‌دهد و این است که اعمال عاشق با خواسته‌های معشوق وابستگی دارد. هنگامی که خواسته‌های معشوق، صالح باشد، کارهای عاشق به صلاح می‌گراید...]

این جملات، بخش عمیقی از کتاب رشد (علی صفایی حائری) است که ذهن انسان را با روشی نو و درکی جدید با قرآن کریم آشنا می‌سازد؛ این کتاب حاوی نگاهی نو در برخورد با قرآن است و دیداری تازه با سوره عصر را برای ما جوانان به همراه می‌آورد. کتاب "رشد" می‌تواند منبع الهام‌بخش و مفیدی برای افرادی باشد که به دنبال توسعه فردی و بهبود کیفیت زندگی خود هستند. با توجه به رویکرد عملی و تجربی نویسنده، خوانندگان می‌توانند از این کتاب بهره‌برداری کنند و گام‌های مؤثری در مسیر رشد خود بردارند.

این کتاب دل ما جوانان را از غش و آلودگی که همچون شمشیری بران و تیز که دچار زنگ زدن شده است صیقل می‌دهد، این سوهان جلا دهنده به اعماق وجودی ما سر می‌زند. کتاب "رشد" با ترکیب مفاهیم نظری و عملی، توجه به خودشناسی، روابط اجتماعی و استفاده از زبان ساده، یک منبع ارزشمند برای افرادی است که به دنبال توسعه فردی و تغییرات مثبت در زندگی خود هستند. تحلیل دقیق این جنبه‌ها نشان می‌دهد که چگونه این اثر می‌تواند به عنوان یک راهنمای عملی برای دستیابی به رشد شخصی مورد استفاده قرار گیرد. کتاب به گونه‌ای نوشته شده که خواننده را تشویق کند تا به دنبال اهداف خود باشد و در مسیر رشد تلاش کند. این عنصر الهام‌بخشی، به ویژه برای افرادی که در جستجوی تغییرات مثبت هستند، بسیار ارزشمند است.

ابتدا استاد؛ از بحران‌ها و شتاب‌های ستمگر (زمان) سخن می‌گوید، سپس به بیان و تبیین سه واژه خسر، رشد و تکامل می‌پردازد و در نهایت بیان می‌کنند که، هدف اصلی از آفرینش «رشد» انسان است. رشد، به معنای جهت دادن به استعدادهای تکامل‌یافته انسانی است؛ جهتی که استعدادهای انسان را از بن‌بست می‌رهاند و آدمی را از خسر نجات می‌دهد.

شاید چالشی ترین سوال کتاب این است که: آیا کسی که ثروتمند زندگی کند؛ ثروتمند هم می‌میرد؟ یا معنی ثروتمند اشتباه بیان شده؟! به راستی ما اسیر زندگی هستیم یا زندگی اسیر ماست؟ در ادامه، به تفاوت رشد و تکامل، و ضرورت رشد و عوامل رشد می‌پردازد که زمینه رسیدن انسان به عشق حقیقی است که این عشق پاک، عمل صالح برای ما ایجاد می‌کند حتماً اگر به دنبال کتابی سازنده و دغدغه‌مند هستید این کتاب می‌تواند گزینه خوبی برای جوانان و مخصوصاً دانشجویان باشد.



شعر و معلم

به قلم مهدی نقاش و الهیار منصورکیایی

| نشریه دانشجویی راش ، پاییز ۱۴۰۳

هنر، زبان بی‌کلام احساسات و افکار انسانی است؛ پلی است میان روح و جهان، که در آن زیبایی، خلاقیت و حقیقت به هم می‌پیوندند. هنر، مانند نغمه‌ای است که از دل طبیعت برمی‌خیزد و با رنگ‌ها، شکل‌ها و صداها، داستان‌هایی ناگفته را روایت می‌کند. این پدیده‌ی شگفت‌انگیز، تجلی عواطف و اندیشه‌های عمیق بشر است و به ما امکان می‌دهد تا درک کنیم که زندگی چه معنایی دارد. هنر، همچون نسیمی است که بر روی دشت‌های خشک زندگی می‌وزد و بذره‌ای تغییر را در دل خاک می‌پاشد. معلم عاشق و هنرمند، همچون نوری در تاریکی، در دنیای دانش و علم می‌درخشد.

در دام چشم های تو زندانی ام هنوز
محکوم یک نگاهم و قربانی ام هنوز

آهنگ آشنا ز نگاهت شنیده ام
شاید که شعر گشتم و می خوانیم هنوز

شاید کبوتری شده ام در خیال تو
کز هر کران که میپریم می یابیم هنوز

یا آن شقایقم که در این پهنه کویر
با دست مهربان خود می نازیم هنوز

اما نه گل نه کبوتر نه شعر تازه ام
هستم در انتظار که چه می نامیم هنوز

دیوانه ام یا عاشقم فرقی نمی کند
وقتی کنار چشم تو زندانیم هنوز

شعر پاییز از الهیار منصور کیایی

چو آدم گشت پیدا در جهان تعلیم پیدا شد
ز تعلیم و تعلم در جهان نوری هویدا شد

فروغ دیده عالم، ز تعلیم معلم بود
ز علم دین و دنیا این جهان صحن معلا شد

هزاران آدم آمد از ازل تا مصطفی، احمد
درون ریشه‌ی عالم، قَلَم از علم بالا شد

درون سفره‌ها نان از توان علم می‌آید
جهان از قدرت دانش به این اشکال برپا شد

شکوه و شهرت تاریخ از علم و تمدن بود
هر آن‌کس خوار شد ننگش ز بی علمیش رسوا شد

هر آن شاهی که بالا رفت از هوش وزیرش بود
هزاران شه ز تعلیم وزیر خویش والا شد

معلم کرد عالم را به نور عالمی روشن
معلم در جهان آمد سپس تقدیر پیدا شد

شعر نور چشم از مهدی نقاش

ما را در اینستاگرام و ایتا دنبال کنید ! @rash.journal

